

کارکردها و آثار دین در حوزه عاطفی از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)

مرتضی سیاح شعاع^۱

زینب سیاح شعاع^۲

زهرا حجازی پور^۳

چکیده

ساحت گرایشی انسان‌ها یا همان ساحت عاطفی، میدان اساسی زندگی آدمی را تشکیل می‌دهد. مؤلفه‌های ساحت عاطفی، که بر مبنای مؤلفه‌های شناختی پدید می‌آیند، شامل عواطف، هیجان‌ها، احساسات، گرایش‌ها و دلبستگی‌ها هستند. این مؤلفه‌ها، زمینه و علت بروز مؤلفه‌های رفتاری، و الگوهای عملکرد شمرده می‌شوند. اگرچه تقسیم و تبیین ساحت عاطفی مذکور و مشهور روش مفیدی است، به آن معنا نیست که مؤلفه‌های این ساحت به طور کامل از هم مجزا هستند. از سوی دیگر، زندگی جز به دین داری نیست. آنچه مهم است اینکه کنش‌های اساسی دین یا فواید و آثاری که دین داری به طور طبیعی بر این ساحت اساسی دارد، حوزه‌های فرعی را نیز پوشش می‌دهد. حال علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) از جمله افرادی هستند که به تأثیر دین بر ساحت عاطفی انسان پرداخته است. از این رو پژوهش حاضر به تبیین کارکردهای دین در حوزه عاطفی افراد از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) پرداخته است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام شده و از منابع تفسیری و عقلی تحلیلی استفاده شده است. براین اساس یافته‌های این تحقیق از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، آرام بخشی، نوع دوستی، تأکید بر صلۀ ارحام و توصیه به رعایت حقوق همسایگان از جمله کارکردهای دین هستند که بر ساحت عاطفی انسان تأثیر گذار هستند.

کلیدواژه‌ها: عاطفی، علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، کارکرد، دین

^۱. استاد راهنما، استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، گرایش علوم عقلی.

^۲. طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم.

^۳. طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم.

دین مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد (جوادی آملی، 1390، ص 27). به اعتقاد علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) عنصر مشترک ادیان مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای رفتاری است که به نوعی جهان بینی استوار است مبنای این نظریه این است که انسان به زندگی اجتماعی نیازمند است چنان که زندگی اجتماعی نیز به دستور العمل‌های ویژه‌ای کنند نیاز دارد که مبنای نظام اجتماعی بشر باشد خواه این دستور العمل‌ها را خود وضع یا از دیگری بپذیرند. از سوی دیگر بایدها و نبایدهای رفتاری از نوع شناخت و اعتقاد انسان درباره واقعیت خود و جهان سرچشمه می‌گیرد بنابراین مجموع شناخت و اعتقاد انسان درباره جهان و دستورالعمل‌های متناسب با آن «دین» نامیده می‌شود. تفاوت میان ادیان به تفاوت‌های اعتقادی و دستورالعمل‌های مبتنی بر آن باز می‌گردد. دین یا حق است یا باطل و یا آمیخته‌ای از حق و باطل می‌باشد که به آن دین التقاطی می‌گویند اما دین حق دینی است که عقاید، اخلاق، قوانین و مقررات آن از طرف خدا نازل شده و دین باطل، دینی است که از ناحیه غیر خداوند تنظیم و مقرر شده باشد (جوادی آملی، 1378، 111 _ 112). دین می‌تواند، در همه‌ی عرصه‌ها حضور مؤثر و فعال داشته باشد و بشر را سعادت‌مند سازد و این حضور سبب محدود شدن حوزه عاطفی انسان نیز نخواهد شد. علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) درباره تأثیر دین بر حوزه عاطفی انسان معتقدند که آدمی به حکم طبیعت و سرشت خدادادی خود، دین می‌خواهد؛ زیرا انسان در سیر زندگی پیوسته برای تأمین سعادت خود تکاپو و تلاش می‌کند و برای رفع نیازمندی‌های خود، دست به اسباب و وسایلی می‌زند که در مقاصد وی مؤثرند، و بدون تردید همیشه سببی را می‌خواهد که مؤثر بوده و هیچ‌گاه مغلوب نشود و از طرف دیگر در جهان طبیعت سببی نداریم که تأثیرش دائمی بوده و هرگز مغلوب و مقهور واقع نگردد چرا که یکی از نعمت‌هایی که خداوند متعال به بشر عنایت فرموده، نعمت عاطفه و مهرورزی است که هیچ انسانی نمی‌تواند از آن بی‌نیاز باشد.

از این رو اسلام برخلاف سایر جوامع غیر اسلامی که از این موضوع رنج می‌برند، عنایت ویژه‌ای به احساسات و عواطف بشری دارد.

تاکنون پژوهش مستقل و یک پارچه درباره کارکردهای دین بر حوزه عاطفی از نگاه علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) انجام نشده؛ به گونه‌ای که تنها به این موضوع پرداخته باشد. اما به صورت پراکنده و نامنظم در آثار مختلف پژوهشی این بحث دیده می‌شود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

1. موسوی مقدم و علی‌زمانی در مقاله ساحت‌های وجودی انسان از دیدگاه علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) بر این باورند که از منظر علامه نمی‌توان برای ابعاد وجودی انسان حصر عقلی قائل شد؛ ولی با تأمل خاص و نگاه ساختاری می‌توان مهم‌ترین جنبه‌های وجودی انسان که به شخصیت او شکل می‌دهند و منشأ سعادت و شقاوت او هستند را این گونه برشمرد: ساحت شناختاری، ساحت غریزی، ساحت اراده، ساحت عمل و ساحت الوهی (فطری). در یک تقسیم بندی دیگر در اندیشه علامه (رحمة الله علیه) می‌توان هفت ساحت با کارکرد تقریباً مستقل و در تعامل با یکدیگر را برای انسان برشمرد که عبارت‌اند از: ساحت جسمانی، عقلانی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، هنری و دینی.

2. رجبی نیا در کتاب اسلام و زیبایی‌های زندگی بدین نتیجه دست یافت که ساحت شناختی، ساحت گرایشی (عاطفی) و ساحت رفتاری، میدان‌های اساسی زندگی آدمی را تشکیل می‌دهد و هر کدام مؤلفه‌هایی دارد. مؤلفه‌های ساحت شناختی، نگرش‌های باورها، جهان بینی و اصول تفکر را دربر می‌گیرد. مؤلفه‌های ساحت عاطفی، که بر مبنای مؤلفه‌های شناختی پدید می‌آیند، شامل عواطف، هیجان‌ها، احساس‌ها، گرایش‌ها و دلبستگی‌ها هستند. این مؤلفه‌ها، زمینه و علت بروز مؤلفه‌های رفتاری، و الگوهای عملکرد شمرده می‌شوند.

مقاله حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که دین چه کارکردی بر ساحت عاطفی انسان از نگاه علامه طباطبائی (رحمه الله علیه) دارد؟ و برای پاسخ به پرسش یاد شده آرام بخشی، نوع دوستی، تأکید بر صله ارحام و توصیه به رعایت حقوق همسایگان از جمله کارکردها دین بر حوزه عاطفی انسان را بررسی می کند.

1. مفهوم شناسی

در این نوشتار برخی واژه‌ها که بسیار به کار رفته‌اند ممکن است معنا مشخص نداشته باشند و یا معنا مورد نظر فهم شودف از این رو به مفهوم شمناسی پرداخته می‌شود.

1-1. دین

یکی از اموری که لازم است به عنوان مبادی بحث مطرح شود، تعریف دین در لغت و اصطلاح متفکران، و استعمالات آن در آیات و روایات است که پژوهش حاضر به آن می‌پردازد.

دین در لغت: دین در لغت به معنای طاعت، پیروی، تسلیم، جزاء، عادت و حکم آمده است (ابن منظور، 1414، ماده دین). درباره‌ی معنای لغوی این کلمه، دو دیدگاه وجود دارد؛ برخی آن را توجه و عنایت و مواظبت دانسته‌اند. و به اعتقاد برخی دیگر معنای آن ربط دادن و به هم پیوستن است (ربانی گلپایگانی، 1385، ص 65).

تعریف عام دین: دین عبارت است از مجموعه‌ی اعتقادات، درباره‌ی حقیقت انسان و جهان و مقررات متناسب با آن که در مسیر زندگی مورد عمل قرار می‌گیرد» (طباطبایی، 1381، ص 256). به گفته استاد جوادی آملی، دین مکتبی است که از مجموعه‌ی، عقائد، اخلاق و قوانین و مقررات اجرائی تشکیل شده است و هدف آن، راهنمایی انسان برای سعادت‌مندی است (جوادی آملی، 1389، ص 24). هم‌چنین علامه مصباح یزدی (رحمه الله علیه) نیز دین را این گونه تعریف نموده‌اند: «دین عبارت است از اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید می‌باشد» (مصباح یزدی، 1378، ج 1، ص 5). البته باید توجه داشت، چنین تعریفی از قرآن نیز فهمیده می‌شود در آن جا که می‌فرماید: «من می‌ترسم دین شما را دگرگون ساخته و یا در زمین فساد انگیزد» (غافر، 26). دین به این معنا شامل ادیان حق و باطل می‌گردد.

تعریف خاص: به ادیانی که از طرف خداوند متعال به وسیله‌ی انبیاء برای بشر آورده شده است دین خاص گفته می‌شود؛ همان طور که ابن میثم بحرانی می‌گوید: «دین در اصطلاح شرعی بر شریعت‌هایی استعمال می‌شود که

بنابراین علت توجه اسلام به ارحام و همسایگان این است احکام اسلامی در امور فردی خلاصه نمی گردد؛ بلکه برخی از احکام اسلام، اجتماعی می باشد و لو اجتماع کوچک باشد تا انسان در اجتماع کوچک پخته گردد و بتواند در اداره جامعه نقش خود را در مدیریت و... ایفا نماید و کسانی که به احکام فردی توجه دارند ولی احکام اجتماعی توجه ندارند در واقع به همه اسلام عمل نکردند و در نتیجه تکامل در همه ابعاد را تحصیل نخواهد کرد.

نتیجه گیری

تفاوت عمده و اساسی انسان با دیگر انواع حیوانی که ملاک انسانیت او است و منشأ تمدن و فرهنگ انسانی گردیده است در بینش‌ها و گرایش‌های او است. دین به انسان بینش می‌دهد و گرایش‌های او را تنظیم می‌کند. دین، مجموعه‌ای از برنامه‌های عملی هماهنگ با نوعی جهان بینی است و روش ویژه‌ای است که سعادت و صلاح دنیوی انسان را هماهنگ و همراه با کمال اخروی و حیات حقیقی جاودانی او تأمین می‌کند. از این رو، لازم است شریعت، در برگیرنده قوانینی باشد که به نیازهای دنیوی انسان نیز پاسخ گوید. دین تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها را در بر می‌گیرد و بر آن‌ها اثر گذار است.

یکی از این ابعاد، بعد عاطفی انسان‌ها می‌باشد و باید بررسی کرد که دین چه کارکرد و اثری بر این بعد انسان‌ها دارد. از این رو مقاله حاضر کارکردها و آثار دین در حوزه عاطفی از نگاه علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) را بررسی کرده است و در پایان بدین نتیجه رسیده است که کارکرد دین در حوزه عاطفی آرام بخشی، نوع دوستی، تاکید بر صله ارحام و توصیه به رعایت حقوق همسایگان می‌باشد.

1. ابن طاووس، علی بن موسی، الهوف علی قتلی الطفوف، چاپ اول، نشر جهان، تهران، 1348.
2. ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، 1405ق.
3. استالی براس، اولیور، بولک، آلن، فرهنگ و اندیشه نو، چاپ سوم، مازیار، تهران، 1387.
4. بحرانی، میثم بن علی بن میثم، شرح نهج البلاغه، مترجم: قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی زاده، چاپ اول، نشر آسان قدس رضوی، مشهد، 1375.
5. توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه شناسی، چاپ سوم، سمت، تهران، 1371.
6. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، چاپ ششم، نشر اسراء، قم، 1389.
7. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، نشر اسراء، قم، 1378.
8. جوادی آملی، عبدالله، دین شناسی، نشر اسراء، قم، 1390.
9. ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی بر کلام جدید، چاپ اول، نشر هاجر، قم، 1385.
10. رجبی‌نیا، داوود، اسلام و زیبایی‌های زندگی: رویکرد تحلیلی و تربیتی به سبک زندگی، چاپ اول، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، 1392.
11. سادات، محمد علی، اخلاق اسلامی، چاپ 28، نشر وزارت امور خارجه، تهران، 1381.

12. سیاح شعاع، مرتضی، کارکردها و آثار دین از نظر علامه طباطبایی (رحمة الله علیه)، چاپ اول، نشر ضامن آهو، مشهد، 1403.
13. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، «شرح اصول کافی»، تهران، 1383.
14. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، نشر جامعه مدرسین، قم، 1374.
15. طباطبایی، سید محمدحسین، تعالیم اسلام، محقق: سید هادی خسرو شاهی، چاپ اول، نشر بوستان کتاب، قم، 1387.
16. طباطبایی، سید محمدحسین، مرزبان وحی و خرد، چاپ اول، نشر بوستان کتاب، قم، 1381.
17. طباطبایی، سید محمدحسین، مرزبان وحی و خرد، چاپ اول، نشر بوستان کتاب، قم، 1381.
18. علامه حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی تجرید الاعتقاد، محقق: جعفر سبحانی، چاپ سوم، نشر موسسه امام صادق(ع)، قم، 1388.
19. فصیحی، امان الله، نقد تبیین کارکردی دین، چاپ اول، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، 1391.
20. قدردان قراملکی، محمدحسن، «کارکرد دین در انسان و جامعه»، قبسات، ش 28، 1382.
21. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و آثار، نشر دار المرتضی، بیروت، 1319.
22. مریجی، شمس الله، «بررسی تطبیقی دین و کارکردهای اجتماعی آن از دیدگاه دورکیم و علامه طباطبایی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، ش 19، 1393.

23. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقائد، چاپ اول، نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، 1378.

24. مصطفی شاکر، کمال، ترجمه خلاصه تفسیر المیزان، مترجم: فاطمه مشایخ، نشر اسلام، تهران، 1382.

25. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ بیست و پنجم، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران، 1369.

26. موسوی مقدم، سید رحمت الله؛ علی زمانی، امیرعباس، «ساحت‌های وجودی انسان از دیدگاه علامه طباطبائی (رحمة الله علیه)»، اندیشه نوین دینی، ش 27، 1390.